

مسیری در راه نیست. این روند شاید توقف موقت آزمایش‌های هسته‌ای، یا گامی میانه باشد تا بتواند به عنوان یک (معامله بزرگ) به دولت ترامپ فروخته شود. اکنون دولت آمریکا چه بسا که گزینه اندکی دارد به جز وانمود کردن به اینکه در حال دستیابی به یک موفقیت بزرگ است. نخست، گزینه های آمریکا در شبه جزیره کره تا حد زیادی به همکاری کره جنوبی وابسته است.

### بیزاری از ترامپ و افزایش محبوبیت رئیس جمهور کره جنوبی

رئیس جمهور کره جنوبی، تنها با ۴۱ درصد آرای مردم به ریاست جمهوری رسید اما اکنون نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که محبوبیتش از ۷۰ درصد فراتر رفته است و دلیل آن موفقیت او در دور کردن ترامپ از رویکرد "خشیم و آتش" و وارد کردن به مسیر مذاکره است. آنطور که "روبرت کلی" استاد دانشگاه ملی پوسان کره جنوبی می‌گوید، بیزاری از ترامپ موجب شده، اجماعی گسترده بر گرد یک رویکرد دیپلماتیک شکل گیرد. بیشتر میزان تلاش برای اقناع رهبران کره شمالی و آمریکا برای یک نشست مشترک عملاً توسط کره جنوبی انجام شد. این رئیس جمهوری کره جنوبی بود که زیر کانه داستان جایزه نوبل را برای ترامپ مطرح کرد و ترامپ نیز همانند یک بچه ماهی آن را قورت داد. کره جنوبی بلافاصله بله شتابزده



و نیز در سئول باشد. دولت ترامپ به دلیل دیگری نیز گزینه ای جز بزرگنمایی این نشست نخواهد داشت: ترامپ پیش از آنکه بتواند موفقیتی در کره به دست آورد، یک رویارویی دیگر برای خود در برابر ایران، فراهم آورده است.

هضم دوجرآن هسته‌ای در یک تابستان، وضعیت سنگینی است حتی برای "جان بولتون" در شورای امنیت ملی. اگر قرار است که دولت آمریکا سیاست سختگیرانه تری علیه ایران داشته باشد، نیاز به آرام کردن وضعیت در شرق آسیا دارد. وانمود کردن به موفقیت در نشست با رهبر کره شمالی، شاید تنها راه دستیابی به نمایش چنین وضعیتی آرامی است. در گذشته ای دور، یک سیاستمدار انگلیسی همین اقدامات ترامپ در مقابل کره شمالی را به خوبی توصیف می‌کند:

مهم نیست چه دروغهایی گفته ایم، تا زمانی که بتوانیم همان دروغهای لعنتی را تکرار می‌کنیم. کاخ سفید بی‌در و پیکر ترامپ، کمتر توانسته بر سر تکرار یک "دروغ لعنتی" پایدار بماند... اما این بار، شاید آنها واقعاً چاره ای ندارند و شاید چاره ای برای بقیه جهان هم باقی نگذارند جز اینکه وانمود کنند که به دروغ آنها باور دارند چرا که شاید این تنها راه جلوگیری از جنگ باشد در زمانی که یک رئیس جمهور بی اعتبار و دمدمی مزاج در کاخ سفید حکومت می‌کند.

ترامپ رادر ورودی شاخه غربی کاخ سفید اعلام کرد و پیش از آنکه ترامپ به خوبی هوشیار شود که چه کرده یا بتواند با مشاوران کاخ سفید یا وزیر خارجه صحبتی داشته باشد، در را پشت او بستند. کره جنوبی در پی محدود کردن گزینه‌های ترامپ است، به نحوی که در اوت ۲۰۱۷، رئیس جمهوری این کشور هر گونه عملیات نظامی آمریکا در شبه جزیره کره را متوقف کرد. رئیس جمهوری کره جنوبی شاید بتواند یا نتواند وتوی خود را عملی کند. اما این وضعیت، هشدار است برای طراحان راهبردی آمریکا که مهمترین متحد آمریکا در این صحنه، نمی خواهد در جنگ ترامپ نقشی داشته باشد.

### گزینه "بد" در پنتاگون!

در چنین شرایطی است که وانمود کردن به اینکه نشست سران میان ترامپ و کیم جونگ اون یک موفقیت است، شاید آخرین گزینه بد در پنتاگون



دیده می‌شود. قوانین موجود تا حدی نقض آزادی‌های مختلفی است که اروپایی‌ها به دنبال آن هستند در حالیکه به طرز محکمی از سوی لیبرالیسم کنونی مورد دفاع قرار می‌گیرند و به عنوان ارزش‌های اروپایی معرفی می‌شوند. اوربان عصبانیت خود را از چنین شرایطی پنهان نمی‌کند و از شرایط تحریک آمیز فعلی می‌تواند برای پیش بردن پروژه خود استفاده کند.

اما ابتدا مهم است که نکته‌های واضحی را بیان کنیم. اوربان، توماس جفرسون نیست و تاکید او بر قومیت است نه ملی گرایی که شامل درون مرزها می‌شود. اگر شما باور دارید که همه افراد برابر هستند و توسط خالق با حقوق یکسان خلق شده‌اند، آنگاه دولت‌ها موسساتی برای تامین حقوق و تامین نعمت آزادی هستند. در نتیجه نوع دولتی که اوربان می‌خواهد بسازد مناسب شما نیست. او معتقد است که مجارستانی‌ها یک استثنای ذاتی هستند و یک نتیجه از ویژگی‌های ملی قابل تحسین. او می‌گوید: "ما یک گونه منحصر به فرد هستیم. دنیایی وجود دارد که تنها ما می‌بینیم." این ملت مجارستان از لحاظ جغرافیایی و در مرزهای قانونی و انتخاباتی تعریف نشده‌اند. اوربان چهار سال قبل

یاد داشته باشیم که حفظ آزادی در مرکز خواست ما وجود دارد چرا که بر اساس فرهنگ منحصر به فرد آمریکاست. همچنین باید توجه کرد که مجارها بسیار بیشتر از دیگر جاها دارای اکثریت قومی هستند و از هفت قوم تشکیل شده‌اند. با این حال اوربان - با احترام به تمام انتقادات او - نمی‌تواند پروژه خود را با محروم کردن مجارها از آزادی یا حق مالکیت پیش ببرد. مجارها در سیستمی بزرگ شده‌اند که حقوق اکثریت تضمین شده و حقوق

اقلیت نیز مورد احترام قرار گرفته است و به صورت استبدادی پیش نرفته‌اند. او عنصر آزادی رادر مرکز پروژه خود قرار نمی‌دهد اما اگر نتواند تامین حقوق مردم را تضمین کند، با مشکل روبرو خواهد شد. او پوتین، کاسترو یا شی نیست. برای اوربان آموزنده خواهد بود که به یاد بیاورد نقطه خواست مردم برای تغییر سیستماتیک به بحران مالی ۲۰۰۸ باز می‌گردد. آن چیزی که او نمی‌بیند و بسیاری از نخبگان فکری و مالی می‌بینند این است که نباید طبقه کارگر دچار مشکل شود. او تلاش دارد تا احساس یک ملت را بازسازی کند اما کوتاهی در موارد گفته شده او را دچار مشکل می‌کند.

گفت: "گاهی اوقات این چیزها با مرزهای کشور هماهنگ است و گاهی نیست." از همه مهمتر، حفظ آزادی‌های فردی مطمئناً جزو اهداف اصلی دولتی که او مشغول ساختن آن است نخواهد بود. همانطور که در سخنرانی سال ۲۰۱۴ خود گفت: "دولت جدیدی که مادر مجارستان می‌سازیم کشوری غیر لیبرال است. لزوماً اصول لیبرال از جمله آزادی را نقض نمی‌کند اما آن را در مرکز ایدئولوژی خود قرار نمی‌دهد بلکه شامل رویکردی متفاوت، خاص و ملی است." همه اینها نشان می‌دهد که چرا او به دنبال ناسیونالیسم قومی است. او ادعای بیش از این ندارد و می‌خواهد دولتی برای مجارها و نه آمریکایی‌ها بسازد. ما باید به

پیمانها در هنگامه نیازها بسته می‌شود، و محبت ماندگارشان می‌کند

بوعلی سین